



صلاحیت محاکم در قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران و آمریکا (از منظر مفهوم اعمال حکمرانی در نظام بین الملل)^۱

غلامرضا اکبری

دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

dr.gh.r.akbari@gmail.com

عباس پهلوان زاده

گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

dr.pahlevanzadeh@yahoo.com

حمید ایرانشاهی

گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

mmmaaaaaa819@gmail.com

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی چالش‌های تعیین صلاحیت قضایی در قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی، با تمرکز بر نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده می‌پردازد. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً بر جنبه‌های فنی و قواعد حقوقی متعارض تمرکز داشته‌اند، این نوشتار با اتخاذ رویکردی مبتنی بر روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل، مسئله صلاحیت را به مثابه یکی از محورهای کلیدی اعمال حاکمیت دولت‌ها در فضای مجازی فرامرزی تحلیل می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که تقابل میان معیارهای سنتی تعیین صلاحیت و ماهیت بدون مرز اینترنت، صرفاً یک مسئله اختلافی در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی نیست، بلکه بازتابی از رقابت دولت‌ها بر سر تعریف و اعمال حدود قدرت حاکمیتی در عصر دیجیتال است. در این میان، ایالات متحده با ترویج رویکردهایی نظیر نظریه

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰



“حداقل ارتباط”، به دنبال تثبیت استانداردها و نفوذ هنجاری خود در نظام جهانی تجارت الکترونیک است. در مقابل، ایران و سایر کشورها با چالش حفظ اقتدار قضایی ملی در برابر فشارهای بین‌المللی و حفاظت از منافع داخلی مواجه‌اند. این پژوهش استدلال می‌کند که قواعد صلاحیت، در غیاب یک نظام جهانی یکپارچه برای حکمرانی سایبر، به ابزاری راهبردی در دست دولت‌ها تبدیل شده‌اند تا بتوانند منافع ملی خود را در فضای دیجیتال مدیریت کرده و در مقابل هژمونی قدرت‌های مسلط، مقاومت نمایند. درک این بُعد سیاسی-راهبردی تعیین صلاحیت، گامی ضروری برای فهم دینامیک‌های قدرت در روابط بین‌الملل معاصر و طراحی استراتژی‌های مؤثر در حکمرانی فضای سایبر محسوب می‌شود.

کلیدواژه: صلاحیت محاکم، قراردادهای الکترونیکی، تجارت الکترونیک، حقوق ایران، حقوق آمریکا، اعمال حکمرانی.



مقدمه

با گسترش روزافزون تعاملات دیجیتال و ظهور تجارت الکترونیک فرامرزی، ماهیت حاکمیت سرزمینی دولت‌ها در فضای مجازی با چالش‌های بنیادینی مواجه شده است. در نظام بین‌الملل معاصر، فضای سایبر نه صرفاً یک ابزار فنی برای تسهیل تبادلات اقتصادی، بلکه به عرصه‌ای نوین برای رقابت‌های قدرت، اعمال سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی و تلاش دولت‌ها برای حفظ کنترل بر کنشگران غیردولتی تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی در این حوزه، مسئله «صلاحیت قضایی» است؛ جایی که تعارض میان قوانین ملی و ماهیت بدون مرز اینترنت، بستری برای تنش‌های دیپلماتیک و تداخل منافع میان دولت-ملت‌ها ایجاد کرده است. تعیین صلاحیت محاکم در قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی، فراتر از یک بحث آیین دادرسی، بازتابی از استراتژی‌های کلان دولت‌ها برای اعمال حاکمیت قانون در فضای فراملی است. در حالی که ایالات متحده با استفاده از آموزه‌هایی نظیر نظریه «حداقل ارتباط»، به دنبال بسط دایره نفوذ حقوقی خود و استانداردسازی جهانی در راستای حمایت از منافع شرکت‌های فراملی است، سایر نظام‌های حقوقی (از جمله ایران) در تلاش‌اند تا در مواجهه با این هژمونی حقوقی، حاکمیت قضایی خود را حفظ و از مصرف‌کنندگان داخلی در برابر تبعات ناشی از جهانی‌شدن فضای مجازی صیانت کنند. در قراردادهای الکترونیکی، در صورت بروز اختلاف میان طرفین دعوا این احتمال وجود دارد که در حل اختلاف، دادگاه‌های مختلفی خود را صالح به رسیدگی بدانند، چرا که این قراردادها در فضای مجازی منعقد شده‌اند و در نتیجه تعیین دادگاه صالح به آسانی و راحتی قراردادهای سنتی نیست. در سطح بین‌المللی نیز این پرسش مطرح می‌شود که صلاحیت محاکم چگونه بر تنظیم و اعمال حاکمیت در نظام بین‌الملل موثر است و این دسته پرسش‌ها مطرح می‌شود که اساساً چه کسی صلاحیت را تعیین می‌کند؟ این صلاحیت، ابزار اعمال حاکمیت است یا همکاری بین‌المللی؟ قدرت، هژمونی، استانداردسازی و کنترل فضای سایبری چه نقشی دارند؟ این پژوهش با عبور از تحلیل‌های سنتی و حقوقی، بر آن است تا مسئله تعیین صلاحیت در قراردادهای الکترونیکی را به مثابه یک «مقوله حکمرانی» تبیین نماید. در واقع، این مقاله استدلال می‌کند که قواعد حاکم بر صلاحیت قضایی، ابزاری در دست دولت‌ها برای بازتعریف مرزهای قدرت در عصر دیجیتال و ابزاری برای تنظیم روابط بین‌الملل در غیاب یک نظام حقوقی یکپارچه جهانی است. بدین ترتیب، این نوشتار می‌کوشد با بررسی تطبیقی رویه‌های ایران و آمریکا، این تقابل حقوقی را به عنوان بخشی از سیاست کلان کشورها در جهت مدیریت نظم دیجیتال و رقابت‌های قدرت فرامرزی تحلیل نماید.

۱. صلاحیت قضایی در قراردادهای الکترونیکی: رویکرد نظام حقوقی ایالات متحده و تحولات بین‌المللی

در حوزه تجارت الکترونیک که در ایالات متحده به سطوح پیشرفته‌ای از توسعه و محبوبیت دست یافته است، فراوانی پلتفرم‌های بزرگ منجر به افزایش احتمال بروز اختلافات حقوقی می‌شود. در مواجهه با دعاوی ناشی از تراکنش‌های آنلاین، دادگاه‌های آمریکایی



ابتدا به تعیین «صلاحیت شخصی»^۲ نسبت به طرفین دعوا می‌پردازند. اعتباربخشی به شروط انتخاب دادگاه^۳ در نظام حقوقی ایالات متحده یک اصل پذیرفته شده است (Basedow, 2017)، که در این راستا، «قانون حاکم»^۴ نقشی کلیدی در تعیین چارچوب حقوقی حاکم بر شرط ایفا می‌کند. با این حال، رویه قضایی آمریکا در خصوص شناسایی قانون حاکم بر این شروط، یکسان نیست؛ برخی دادگاه‌ها قانون محل اقامه دعوا^۵، برخی دیگر قانون حاکم بر قرارداد اصلی^۶، و گاهی اصول حقوق عمومی ایالات متحده را ملاک قرار می‌دهند.

در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، مقررات ویژه‌ای ناظر بر اعتبار شروط صلاحیت وجود ندارد و در غیاب چنین چارچوب‌های قانونی، «قصد طرفین»^۷ به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاخص‌ها تلقی می‌شود. اعتبار شرط صلاحیت در قراردادهای الکترونیکی، بیش از هر چیز، به «توافق واقعی»^۸ طرفین وابسته است (Fries, 2018). اما، با توجه به کاهش احتمال مطالعه دقیق «شرایط و ضوابط»^۹ توسط مصرف‌کنندگان در محیط آنلاین، احراز صحت و اصالت این توافق واقعی با چالش مواجه است. برای اتکا به شرط صلاحیت، سه الزام اساسی باید تحقق یابد: (الف) اطلاع‌رسانی شفاف کسب‌وکار الکترونیکی در خصوص وجود چنین بندی؛ (ب) فراهم آوردن فرصت واقعی مطالعه برای مصرف‌کننده؛ و (ج) اخذ رضایت صریح و غیرقابل انکار. تحقق این الزامات در محیط پویا و بدون مرز تجارت الکترونیک، خصوصاً با توجه به اشکال رایج درج شروط در قالب قراردادهای «کلیک-رپ» (Click-Wrap) و «بروز-رپ» (Browse-Wrap)، با دشواری‌های قابل توجهی روبرو است.

۱/۱. قراردادهای کلیک-رپ و بروز-رپ: چالش‌های اجرایی و رویه قضایی

- قراردادهای کلیک-رپ (Click-Wrap Agreements): این دسته از قراردادها که در فضای آنلاین بسیار رایج هستند، مستلزم آن است که کاربر با کلیک بر روی گزینه‌هایی نظیر «موافقم» یا «می‌پذیرم»، رضایت خود را به شرایط و ضوابط ارائه شده، از جمله شروط صلاحیت قضایی، اعلام کند. با این حال، ماهیت غیرامضایی این رضایت، قابلیت اجرایی این شروط را گاهی محل تردید قرار می‌دهد. برای مثال، در پرونده *سکارسلا*^{۱۰}، دادگاه نیویورک شرط انتخاب دادگاه را نامعتبر دانست، زیرا طراحی رابط کاربری وبسایت، مصرف‌کنندگان را به طور ناخودآگاه به سمت عدم مطالعه

² Personal Jurisdiction

³ Choice of Forum Clauses

⁴ Governing Law

⁵ Lex Fori

⁶ Law of the Main Contract

⁷ Party Intent

⁸ Actual Agreement

⁹ Terms and Conditions

¹⁰ Scarcela v. American Express Co



شرایط سوق می‌داد و این رویه را نسبت به طرف ضعیف‌تر (مصرف‌کننده) ناعادلانه تلقی کرد (Fries, 2018). رویه قضایی آمریکا بر آگاهی مصرف‌کننده از این شروط تأکید دارد؛ به طوری که در پرونده کام^{۱۱}، شروط داوری در قراردادهای کلیک-رپ PayPal به دلیل عدم اطلاع‌رسانی کافی به مشتریان، غیرقابل اجرا تشخیص داده شد، خصوصاً با در نظر گرفتن هزینه بالای داوری در مقایسه با ارزش متوسط دعاوی (Council Regulation (EC) 1215/2012).

- **قراردادهای بروز-رپ^{۱۲}:** در این نوع قراردادها، شرایط از طریق لینکی در وبسایت قابل دسترسی است و رضایت صریح کاربر الزامی نیست. این امر اجرای شروط را با چالش‌های بیشتری مواجه می‌سازد، زیرا مفهوم «دانش کافی^{۱۳}» یا «آگاهی معقول^{۱۴}» بسیار نسبی است. دادگاه‌ها در این زمینه رویکرد سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کرده‌اند. به عنوان نمونه، در پرونده پولستار^{۱۵}، دادگاه اجرای شرط را رد کرد زیرا لینک شرایط با وضوح کافی (رنگ خاکستری روی پس‌زمینه خاکستری) و بدون علائم هشداردهنده بصری (مانند خط‌کشی یا برجسته‌سازی) ارائه شده بود. با این حال، رویه‌های قضایی متناقضی نیز وجود دارد؛ در برخی تصمیم‌های دیوان استیناف، کسب و کارهای الکترونیکی به دلیل اطلاع‌رسانی «کاملاً واضح» و «به نحو مقتضی» در مورد وجود شرایط، موفق به اجرای شروط خود شده‌اند. لذا، توجه به لزوم اعلان کافی و برجسته در توافق‌نامه‌های بروز-رپ، برای اعتباربخشی به آن‌ها حیاتی است. (see: Council Regulation (EC) 1215/2012)

۲. تحلیل مبانی صلاحیت قضایی در نظام حقوقی ایالات متحده

در حقوق ایالات متحده، صلاحیت قضایی نسبت به اشخاص^{۱۶} به دو دسته کلان تفکیک می‌گردد که مبتنی بر تفاوت در ماهیت ارتباط میان خوانده و حوزه قضایی است:

۲/۱. صلاحیت عمومی^{۱۷}

این صلاحیت به دادگاه اجازه می‌دهد فارغ از ماهیت «علت دعوا»^{۱۸}، به دعاوی علیه یک خوانده رسیدگی کند. تحقق این امر مستلزم وجود ارتباطات «مداوم و سیستماتیک»^{۱۹} میان خوانده و ایالت است؛ به گونه‌ای که وی عملاً در آن حوزه حضور دائمی داشته باشد

¹¹ CompuServe, Inc. v. Patterson

¹² Browse-Wrap Agreements

¹³ Sufficient Notice

¹⁴ Reasonable Awareness

¹⁵ Pollstar, Inc. v. Gigmania Ltd

¹⁶ In Personam Jurisdiction

¹⁷ General Jurisdiction

¹⁸ Cause of Action

¹⁹ Continuous and Systematic Contacts



(Balaban, 2018: 35). در تبیین معیار احراز این صلاحیت، دکترین حقوقی^{۲۰} اقامتگاه را برای تحقق صلاحیت عمومی کافی می‌داند، مگر آنکه رابطه خوانده با ایالت به حدی تقلیل یابد که اعمال صلاحیت، برخلاف اصول دادرسی منصفانه باشد (Cunard & Coplan, 2001: 936).

***۲. صلاحیت خاص^{۲۱}

این نوع صلاحیت منوط به دو شرط توأمان است: شمول قانون صلاحیت ایالتی^{۲۲} نسبت به اشخاص غیرساکن، و رعایت موازین «دادرسی عادلانه و منظم»^{۲۳} قانون اساسی (Gladstone, 2003: 145). وجه تمایز صلاحیت خاص با عمومی در «ارتباط موضوعی» است؛ بدین معنا که صلاحیت دادگاه تنها در صورتی محقق می‌شود که دعوا ناشی از یا مرتبط با فعالیت‌های مشخص خوانده در آن حوزه قضایی باشد (Fangfei Wang, 2008: 237). بنابراین، صلاحیت خاص برخلاف صلاحیت عمومی، ماهیت گراست و به «ارتباطات مرتبط»^{۲۴} با علت دعوا محدود می‌گردد.

در تحلیل انتقادی صلاحیت شخصی در دعاوی تجارت الکترونیک باید به این نکته توجه داشت که رویکردها از دکترین «حداقل ارتباطات» به «رویکرد مقیاس متغیر» تغییر جهت داده اند. در تبیین چالش‌های صلاحیت قضایی^{۲۵} در فضای سایبر، پرسش بنیادین این است که آیا صرف دسترسی‌پذیری یک وبسایت، برای احراز «حداقل ارتباطات»^{۲۶} کافی است یا خیر. رویه قضایی ایالات متحده، به ویژه در فقدان قراردادهای فرعی، صرف وجود وبسایت را برای اثبات صلاحیت شخصی در مورد خواندگان غیرمقیم ناکافی می‌داند. در واقع، احراز صلاحیت خاص منوط به تحلیل جامع فرآیند تعاملات از جمله «مذاکرات پیشینی و پیامدهای آتی» است که بیانگر عاملیت خوانده در برقراری ارتباط با حوزه قضایی مزبور باشد (Scoles, Hay, Borchers & Symeonides, 2000: 348). فرآیند قضایی تعیین صلاحیت برای خواندگان غیرمقیم در ایالات متحده، در دو مرحله صورت می‌پذیرد:

۱. انطباق با قوانین داخلی^{۲۷} ایالتی برای حصول اطمینان از مجاز بودن طرح دعوا.
۲. احراز «عاملیت خوانده» در بهره‌مندی از امتیازات تجاری ایالت، به گونه‌ای که پیش‌بینی طرح دعوا در آن حوزه، برای وی متصور باشد (Ibid).

²⁰ Restatement (Second) of Conflict of Laws

²¹ Specific Jurisdiction

²² Long-arm statute

²³ Due Process

²⁴ Related Contacts

²⁵ Personal Jurisdiction

²⁶ Minimum Contacts

²⁷ Long-arm Statutes



در چارچوب دکترین حقوقی، مرحله دوم، متضمن معیارهای «هدفمندی» (Purposeful Availment) و «معقول بودن» است. مطابق با تبیین Deveci (۲۰۰۶: ۴۳)، تحقق صلاحیت قضایی خاص در سه لایه ارزیابی می‌گردد: نخست: هدفمندی است: آیا خواننده عامدانه فعالیت یا معامله‌ای در حوزه قضایی انجام داده و از مزایای قانونی آن منتفع شده است؟ دوم: علیت است: آیا ادعای مطروحه، ناشی از فعالیت‌های مذکور خواننده در آن حوزه است؟ و سوم: انصاف و عدالت است: آیا اعمال صلاحیت در آن حوزه، با معیارهای ذاتی انصاف و عدالت دادرسی منصفانه (Fair Play and Substantial Justice) همخوانی دارد؟ نقطه عطف این حوزه، پرونده در دادگاه منطقه پنسیلوانیا غربی است. در این پرونده، معیار سنتی «حداقل ارتباطات» در قالب یک «مقیاس متغیر» (Sliding Scale) یا رویکرد «کشویی» بازتعریف شد. دادگاه زیپو با تمرکز بر «ماهیت و کیفیت» تعاملات اینترنتی، مبنای سنجش صلاحیت را بر میزان تعامل‌گرایی وبسایت استوار ساخت تا با حفظ «مفهوم سنتی انصاف و عدالت»، الزامات دادرسی نسبت به خوانندگان غایب را متناسب با واقعیت‌های فنی تجارت الکترونیک تبیین نماید.

دادگاه‌های ایالات متحده مطابق با تحولات قضایی خارج از کشور روش دیگری برای تعیین صلاحیت در تجارت الکترونیکی ایجاد کردند: معیار «تأثیر»، براساس تصمیم دادگاه عالی در پرونده کلدر در برابر جونز. وقتی خواننده‌ها عمداً به ساکنان حوزه مرجع رسیدگی آسیب برسانند ایالت مجاز به اعمال صلاحیت می‌شود. دادگاه‌های ایالات متحده در اجرای معیار «تأثیر» در پرونده‌های اینترنتی به جای تلاش برای بررسی ویژگی‌های وبسایت یا تعیین سطح تماس سایت با مرجع رسیدگی ایالتی، بر آثار واقعی وبسایت در بخش دادگاه متمرکز می‌شوند. با این حال معیار «اثر» در آسیب‌های محدود اعمال می‌شود، نه در موارد تجارت الکترونیکی که شامل شرکت‌های بزرگ می‌شود. زیرا تعیین موارد آسیب دیدگی «یک شرکت بزرگ و چند ملیتی» کار دشواری است. دادگاه اظهار داشت که معیار «تأثیر» در مورد شرکت به همان شکلی که برای یک فرد اعمال می‌شود، اجرا نمی‌شود زیرا به شرکت «در یک مکان خاص جغرافیایی به همان معنایی که شخص آسیب می‌رساند» ضرر نمی‌رسد. برخی از دادگاه‌های ایالات متحده با زیرسوال بردن معیارهای زیپو و «تأثیر» به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا «موارد بیشتری» برای اعمال صلاحیت لازم است یا خیر؟ دادگاه‌ها «معیار هدف‌گیری» را ارائه کردند. شرط «معیار هدف‌گیری» زمانی محقق می‌شود که ادعا شود خواننده در حق خواهانی - که خواننده می‌داند او ساکن همان محلی است که دادگاه ایالتی در آنجا است - مرتکب رفتارهای نادرستی شود. گفته شده در زمان تعیین صلاحیت پرونده‌های مربوط به ارتباط‌های اینترنتی معیار هدف‌گیری در مقایسه با مقیاس متغیر زیپو روش بهتری است. معیار هدف‌گیری، بر خلاف معیار دیگر، بیشتر بر شناسایی «اهداف طرفین و اقدامات انجام شده برای ورود یا جلوگیری از یک صلاحیت خاص» تأکید دارد. علاوه بر این طرفداران معیار هدف‌گیری این روش را در تعیین اینکه «آیا متهم پیش‌بینی می‌کرده تا برای محاکمه در دادگاه خارجی و پاسخگویی در مورد فعالیت‌های خود در خارج از کشور حاضر شود یا خیر؟» دارای رویکرد بهتر و منصفانه‌تری می‌داند. در تحلیل روند قانونی پرونده فولکس واگن ورلد واید دادگاه عالی ایالات متحده نکته‌ای



مهمی را بیان کرده است: رفتار متهم و ارتباط خوانده با دادگاه ایالت به گونه‌ای است که او باید منطقاً پیش بینی می‌کرده که در آنجا به دادگاه احضار خواهد شد. بند آیین دادرسی با اطمینان از «اجرای منظم قوانین» درجه‌ای از پیش بینی را به سیستم حقوقی می‌دهد که به خواننده‌های بالقوه اجازه می‌دهد تا رفتار اولیه خود را با حداقل اطمینان نسبت به اینکه این رفتار کجا انجام می‌شود و اینکه آیا نسبت به دادخواست مسئولیت آور است یا خیر، تنظیم کند. (Scoles, Hay, Borchers & Symeonides, 2000: 344)

بنابراین سوال این است که چگونه می‌توان نسبت به رویکرد «هدف‌گیری» در قراردادهای الکترونیکی اطمینان حاصل کرد؟ اولاً این کار بر اساس قصد خوانده است: خوانده باید فعالیت الکترونیکی را به سوی دادگاه مرجع رسیدگی به پرونده هدایت کند. یک معیار هدف‌گیری برخلاف رویکرد زیپو «به دنبال شناسایی اهداف طرفین و ارزیابی اقدامات انجام شده برای ورود یا جلوگیری از یک صلاحیت قضایی مشخص است.» این امر مستلزم این است که خوانده به طور مشخص فعالیت‌های آنلاین خود را در ایالتی که مرجع رسیدگی است ذیل صلاحیت آن ایالت قرار دهد. این معیار مبنای فکری خوبی به دادگاه‌ها می‌دهد: یک «اقدام عمدی یا هدفمند» که بوسیله آن می‌توان به پرونده‌های پیچیده رسیدگی کرد و نتایج مطلوبی را به دست آورد. ثانیاً خوانده باید قصد داشته باشد در تجارت یا دیگر تعاملات ("کاری بیشتر") در ایالتی که مرجع رسیدگی در آن است شرکت کند. ثالثاً خوانده باید به فعالیتی پردازد که علت احتمالی اقدام قضایی مربوط به شخص دیگر در ایالتی که مرجع رسیدگی به آن است را ایجاد کند. با توجه به سه مکانیزم اندازه‌گیری مذکور رویکرد "هدف‌گیری" اطمینان قانونی بیشتری در تعیین صلاحیت اینترنتی می‌دهد. در نهایت بیان شده که این رویکرد و ایجاد ثبات و اطمینان قانونی بازهم مانع کاملی در برابر «گرایش آمریکا به عدالت فردی» نیست.

۳. انتخاب شروط صلاحیت قضایی در قراردادهای الکترونیکی بی‌توسی

قابل اجرا بودن بخش چهارم از قوانین بروکسل که حمایت بیشتری از مصرف کنندگان ارائه می‌دهد، منوط به درک تجاری قرارداد مصرف کننده است و وضعیت مصرف کننده در این مسأله از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا تنها چنین وضعیتی می‌تواند امکان تکیه بر ادراک محافظت که در قوانین مصرف کننده طراحی شده و آن را به عنوان بخش ضعیف‌تر ارائه می‌دهد فراهم کند. متأسفانه به دلیل پراکندگی قوانین اتحادیه اروپا مفهوم مصرف کننده به اتفاق آرا پذیرفته نشده است. هر بخشنامه به طور جداگانه با این مفهوم به گونه‌ای برخورد می‌کند که با اهداف آن مطابقت داشته باشد. مطابق با روح قانون جدید بروکسل و همانطور که در پرونده Cape Snc در مقابل خدمات ایده آل اس ال آر بیان شد، مصرف کننده باید به عنوان یک شخص حقیقی در نظر گرفته شود که برای اهداف خارج از تجارت یا فعالیت تجاری که انجام می‌دهد، قرارداد تجاری منعقد می‌کند. همچنین مصرف‌کننده طرفی است که از نظر اقتصادی ضعیف‌تر و کمتر از مسائل حقوقی مطلع است. در مورد بخش ۴ مقررات، مفهوم مصرف کننده باید بر اساس روح رژیم بروکسل تفسیر شود. یک سوال ماهوی در رابطه با گستره تفسیر اصطلاح «مصرف کننده» را می‌توان از بخش چهارم مطرح کرد. ممکن است بتوان گفت که تفسیر غایت‌شناختی باید به حمایت گسترده منجر شود اما در واقع دامنه و روح کلی قوانین



بازنویسی شده بروکسل باید در نظر گرفته شود. در نظر داشته باشید که بخش ۴ صرفاً استثنایی از اصل صلاحیت عمومی است که اقامتگاه خواننده را به عنوان شاخص صلاحیت می‌داند، این بدان معناست که تنها وجود یک قرارداد الکترونیکی معتبر منعقد شده با مصرف کننده منجر به استثنا از قاعده ارائه رفتار مطلوب‌تر با مصرف کننده در زمینه مسائل قضایی می‌شود (Sophia Tang, 2015:50)

بخش چهار باید به شیوه‌ای بسیار دقیق تفسیر شود زیرا واقعاً یک استثنا به دلیل موقعیت مصرف کننده است. در پرونده فرانیسکو بنینکاسا مقابل دنتاکیت اس آر ال دیوان دادگستری اتحادیه اروپا معین کرد که خریدار- در پرونده مورد بحث خریدار از طریق قرارداد الکترونیک- باید به جای محدود کردن تحلیل‌ها به وضعیت ذهنی شخص به ماهیت قرارداد و اهداف مورد استفاده اشاره شود. به این ترتیب خریدار که کالا را خارج از نیازهای شخصی خود خریداری می‌کند، در صورتی که واجد شرایط کسب و کار یا تجارت الکترونیکی باشد، نتواند به بخش چهار تکیه کند. چنین شرایطی زمانی خاص است که شخصی کالاها یا خدمات آنلاین را برای اهداف متفاوت یا حتی برای استفاده حرفه‌ای که به تخصص اصلی حرفه‌ای او مرتبط نیست خریداری می‌کند. عملکرد فروشندگان ترکیبی نیز یک سؤال بی‌جواب در تجارت الکترونیک بود. به عنوان مثال در مورد کاربران‌ای بی که اغلب از پلتفرم آنلاین‌ای بی به عنوان منبع درآمد اضافی یا حتی اصلی استفاده می‌کنند. تمایز بین مصرف کننده و کسب و کار الکترونیک بسیار مبهم است. همچنین موانع ورود تجارت الکترونیک در سال‌های گذشته به میزان قابل توجهی کاهش یافته زیرا با صنعتی شدن فناوری اطلاعات، راه‌اندازی استارت آپ‌های کوچک برای افراد بسیاری آسان می‌شود. چنین تمایز مبهمی بین مصرف کننده و تجارت الکترونیک را می‌توان ابتدا از طریق هدف انعقاد قراردادهای الکترونیک که ماهیت کلی توافق و وضعیت طرفین را تعیین می‌کند، مورد بررسی قرار داد. از این رو اگر کالا برای اهداف تجاری به دست آمده باشد، امکان اعمال بخش ۴ از بازتفسیر قوانین بروکسل وجود نخواهد داشت. به منظور شفاف سازی بیشتر مفهوم مبهم مصرف کننده و کسب و کار الکترونیک در تجارت الکترونیک، تعیین معنای واقعی «عملکرد در یک دوره عادی تجارت» مهم است. (Fangfei Wang, 2008:232)

مصرف کنندگان تجارت الکترونیک اغلب در معرض انعقاد قرارداد الحاقی هستند که در آن قدرت مذاکره ندارند. آنها معمولاً طرف ضعیف‌تری در قرارداد الکترونیک در نظر گرفته می‌شوند زیرا نوعاً شرایط و ضوابط ارسال شده در وب سایت تجارت الکترونیک را نمی‌خوانند. عدم تعادل اقتصادی نیز عامل مهمی در تعیین مواضع چانه‌زنی طرفین قرارداد الکترونیکی است. نابرابری از پیش تعیین شده حتی زمانی که مصرف کننده مجبور است برای کالاها یا خدماتی که بعداً ارائه می‌شود پیش پرداخت کند. به این دلایل و موارد دیگر حمایتی که توسط قوانین مدرن اتحادیه اروپا به مصرف کنندگان ارائه می‌شود باید بیشتر از واقعیت‌های فعالیت تجارت الکترونیک استفاده شود. (Elgar, 2014:254)



۴- رویکرد انتخاب قانون حاکم در معاملات تجارت الکترونیک بی تو سی ایالات متحده

۴-۱ رویکرد خنثی در شروط انتخاب قانون حاکم

در بیانیه دوم ایالات متحده در تعارض قوانین که به روشی عملگرایانه رویکرد ارائه شده توسط دادگاه‌ها را منعکس می‌کند، بیان شده که به طور کلی نگرش نظارتی خنثی‌تری در مورد قراردادهای الکترونیک با مصرف کنندگان اتخاذ می‌شود. شروط قانون حاکم معمولاً علیرغم موقعیت نابرابر چانه زنی طرفین معتبر شناخته می‌شوند، مگر اینکه چنین شروطی در پرتو سیاست عمومی غیرقانونی باشند یا با سوء نیت قرارداد شده باشند. دادگاه در صورت رسیدگی باید در مورد موضوع ناعادلانه بودن تصمیم گیری کند. برای داشتن یک شرط قانونی معتبر، تشخیص اینکه آیا مصرف کننده در لحظه پذیرش شرایط و ضوابط از پیش تعیین شده توسط کسب و کار الکترونیک از عواقب چنین پذیرشی آگاه بوده، بسیار مهم است. اگر شرط به صورت غیرعادلانه و ناخودآگاهانه منعقد شده باشد، نامعتبر خواهد بود. لازم به ذکر است که ناعادلانه بودن فقط به شرط مورد اختلاف و در این مورد شرط قانون حاکم اطلاق می‌شود. دادگاه با اشاره به این شرط باید به انصاف آن در قبال مصرف کنندگان توجه کند و به تأثیری که در اثر اعمال قانون حاکم ایجاد می‌شود، توجه نداشته باشد. حتی در این فرضیه که قانون منتخب مصرف کننده را از برخی حقوق حمایتی که ممکن است تحت قانون پیش فرض ایالتی محروم می‌کند، آثار قانونی که اعمال خواهد شد با ملاحظات سیاست عمومی تنظیم می‌شود. از این رو حتی در قراردادهای تجارت الکترونیک نیز به ندرت می‌توان ادعای ناعادلانه بودن را قابل توجیه یافت. (Council Regulation (EC) 261/2004)

رویکرد آمریکایی مرتبط با قابلیت اجرایی بودن شروط قانون حاکم در قراردادهای الکترونیک با مصرف کنندگان، رویکردی بسیار عملگرایانه است. حتی اگر شرایط و ضوابط قرارداد الکترونیک توسط کسب و کار الکترونیکی تهیه شده باشد و کل انعقاد چنین قراردادهایی معمولاً مبتنی بر «قبولش کن یا ردش کن» باشد، باز هم مصرف کنندگان صرفاً به دلیل نامطلوب بودن آنها در مقایسه با تجارت الکترونیک مورد حمایت قرار نخواهند گرفت. چنین بیان شد که توجه عمدتاً معطوف به نحوه ارائه چنین شروطی است. اعتبار شروط قانون حاکم حقوقی به دو بعد رویه‌ای و ماهوی تقسیم می‌شود. معمولاً چنین شروطی از نظر رویه‌ای بسیار ناعادلانه اما از نظر ماهوی عادلانه هستند. از این رو هنگام تحلیل اعتبار و نهایتاً اجرای چنین شروطی باید هر دو جنبه را در نظر گرفت.

۴-۲ عادلانه بودن شروط قانون حاکم

شرط قانون حاکم تنها در صورتی می‌تواند بی اعتبار باشد که ناعادلانه بودن رویه‌ای و ماهوی آن شروط شناسایی شده باشد. با این حال دادگاه در پرونده اسپتچ تصمیم گرفت که شروط مربوط به قانون حاکم در یک قرارداد بروز رپ را باطل کند، زیرا شاخص‌های مبهمی برای وجود این شرط در شرایط قرارداد الکترونیک وجود داشت. در یک مورد دیگر، دادگاه در پرونده ویلیام تصمیم گرفت از اجرای شرط قانون حاکم امتناع کند زیرا مصرف کننده قادر به آشنایی با شرایط و ضوابط قرارداد الکترونیک نبود مگر آنکه دو بار



بر روی گزینه (این بخش را بخوانید) کلیک می‌کرد. در هر دو مورد، علیرغم قاعده کلی، دادگاه‌ها تصمیم گرفتند که این شرط حتی بدون توجه به جنبه ماهوی قرارداد الکترونیک، بی‌اعتبار است. موارد دیگری را می‌توان شناسایی کرد که در آنها دادگاه‌ها به طور خاص بر عادلانه بودن بعد ماهوی تمرکز داشتند. علیرغم این واقعیت که شرایط و ضوابط خاکستری بود، دادگاه در پرونده پول استار تصمیم گرفت که بند مربوط به قانون حاکم معتبر است زیرا اسناد زیادی وجود دارد که قراردادهای بدون توجه یکی از طرفین به شرایط و ضوابط قرارداد منعقد می‌شد. این اختلاف بین حرفه‌ای‌ها بود، اما بر اساس قیاس، این حکم می‌تواند در پرونده‌های بی‌توسی قابل اجرا باشد، زیرا بسیار معمول است که مصرف‌کنندگان شرایط را قبل از پذیرش آنها نخوانند. کلید این شرایط این است که کسب و کار باید با حسن نیت عمل کند. اعتقاد بر این است که آزمون ناعادلانه بودن در قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده کافی است، با این حال این آزمون به خودی خود قادر به مطابقت با ویژگی‌های بسیار خاص تجارت الکترونیک و قراردادهای الکترونیک نیست. مصرف‌کنندگان ممکن است به دلیل اطلاع کافی از کسب و کار الکترونیک از وجود شرط قانون حاکم آگاه باشند، اما حتی در چنین شرایطی شناسایی یک توافق نامه معتبر دشوار است. مصرف‌کنندگان فاقد دانش حقوقی خاص هستند و احتمال کمی وجود دارد که اطلاعاتی در مورد سیستم حقوقی منتخب داشته باشند. (2015 A consumer-neutral look at jurisdiction in e-commerce)

۳-۴ معقول بودن قانون منتخب

انتخاب طرفین باید دلیل منطقی داشته باشد. منطقی امری ضروری در برای برآوردن انتظارات طرفین، مصرف‌کنندگان و کسب و کار الکترونیک است، همچنین برای حفاظت و پیروی از توافقاتی با نیت بد لازم است. برای اثبات منطقی بودن می‌توان به دو مثال اشاره کرد، اول رابطه ماهوی و ثانیاً هر مبنای دیگری را در نظر گرفت. بازگویی بیان دوم به طور جداگانه به این دو مثال نمی‌پردازد، اما بیان می‌کند که رابطه ماهوی به مواردی اطلاق می‌شود که قانون منتخب، قانون محل اجرای تعهد، محل انعقاد قرارداد یا محلی است که ارتباط شخصی با طرفین قرارداد دارد. از لحظه‌ای که مشخص می‌شود یک شهر به هر نحوی به قرارداد مربوط می‌شود، می‌توان گفت که نظام حقوقی آن شهر با طرفین قرارداد الکترونیک ارتباط پیدا می‌کند. یکی از موارد معقول برای قانون حاکم را می‌توان در مواردی بیان کرد که مصرف‌کننده و کسب و کار الکترونیک در ایالت‌هایی با سیستم‌های حقوقی کمتر توسعه یافته‌ای که به تجارت الکترونیک پرداخته‌اند، با یکدیگر قرارداد منعقد می‌کنند. در چنین مواردی وجود توافقنامه حقوق حاکم خارجی قابل توجیه خواهد بود. (Stein, 2004)

۵- صلاحیت‌های محاکم در قراردادهای الکترونیکی در حقوق ایران

در حقوق ایران، نص خاصی درباره صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به دعوای قرارداد الکترونیک، پیش‌بینی نشده است. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، به عنوان مهم‌ترین مقرر در زمینه تجارت الکترونیک، پیش‌بینی خاصی برای صلاحیت



قضایی در دعاوی قراردادهای الکترونیکی نکرده است. کنوانسیون ۲۰۰۵ ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی نیز که اخیراً وارد نظام حقوقی کشورمان شده^{۲۸}، در این مورد ساکت است. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۵ بنا به پیشنهاد شماره ۴۹۳۴ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۹ وزارت بازرگانی و به استناد ماده ۷۹ قانون تجارت الکترونیکی، «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی تجارت الکترونیک» را در ۴۳ ماده به تصویب رساند.^{۲۹} در ماده ۲ این برنامه، «وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضائیه و وزارت بازرگانی اقدامات زیر را انجام دهد:

- تدوین قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی و امکان طرح دعاوی حقوقی در فضای تبادل اطلاعات متناسب با فضای غیر مادی و نامحسوس آن با توجه به قانون تجارت ایران و رعایت اهمیت اصل سرعت در این نوع دعاوی، حداکثر تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵؛

- تدوین قانون خاص در زمینه‌ی صلاحیت برای تجارت الکترونیکی ... حداکثر تا اسفند ماه سال ۱۳۸۴»
در ماده ۳ برنامه، «وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضائیه، نسبت به تدوین قواعد رفع تعارض قوانین جدید به عنوان بخشی از قانون عام آیین دادرسی مدنی فضای تبادل اطلاعات و قانون خاص تجارت الکترونیکی از جمله قواعد داوری و واسطه‌گری برخط برای تسهیل در حل و فصل اختلافات ناشی از تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند».
همانگونه که ملاحظه می‌شود، همسو با تحولات اقتصاد جهانی، ضرورت تدوین مقررات حقوقی برای حل و فصل اختلافات تجارت الکترونیک بر تصویب کنندگان برنامه‌ی فوق‌الذکر، ثابت شده است، لیکن تاکنون هیچ یک از مقررات تکلیف شده‌ی مذکور به تصویب نرسیده‌اند و حتی پیش نویس آنها نیز تدوین نشده است.
از این رو، برای تعیین دادگاه صالح در قراردادهای الکترونیکی، باید به قواعد عمومی صلاحیت استناد کنیم. با توجه به مفاد ماده ۹۷۱ ق.م. که مقرر می‌دارد «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود، اگر دعای راجع به قرارداد الکترونیکی، در دادگاه ایران طرح شود، دادگاه برای رسیدگی، باید ابتدائاً احراز صلاحیت کند».

^{۲۸} . به موجب تصویب نامه هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۳/۲ بنا به پیشنهاد شماره ۷۳۰/۲۰۰/۱۱۱/۱۰۶۳ مورخ وزارت امور خارجه، وزارتخانه‌ی مزبور مجاز است نسبت به امضای موقت کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی اقدام و مراحل قانونی را تا تصویب نهایی پیگیری کند.

^{۲۹} . تصویب نامه در خصوص برنامه‌ی جامع توسعه‌ی تجارت الکترونیکی، شماره ۳۱۷۶۶/ت/۳۳۲۲۹ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۵. برای ملاحظه‌ی این برنامه بنگرید: کانون (ماهنامه‌ی حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران)، ویژه‌ی گواهی الکترونیکی، سال پنجاهم، دوره‌ی دوم، شماره ۷۹، فروردین ۱۳۸۷ صص ۲۷۶-۲۶۲.



برای احراز صلاحیت، دادگاه باید عامل یا عوامل ارتباط را بین دعوای مربوط و دادگاه مزبور پیدا کند. در نظام قضایی ایران، در این باره قاعده‌ای خاص، جدا از قاعده‌های صلاحیت نسبی دادگاه‌های واقع در حوزه‌های مختلف قضایی کشور که ویژه‌ی صلاحیت بین‌المللی در ایران باشد، تعیین نگردیده است. بنابر این تعیین آن بسته به استخراج آن از میان قاعده‌های متعدد منعکس در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در زمینه‌ی صلاحیت نسبی از سوی خود دادگاهی است که در نزد آن به طرح دعوا مبادرت گردیده است. (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۴۸۱) بنابراین، قواعد صلاحیت بین‌المللی محاکم ایران را می‌توان همان قواعد عام منعکس در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی درباره‌ی صلاحیت نسبی دادگاه‌ها دانست. قواعد مزبور که قابلیت اجرا در دعوای تجاری الکترونیکی دارد، در ذیل بررسی می‌شود:

۵-۱ صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده

قاعده‌ی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مندرج است. این ماده مقرر می‌دارد: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه‌ی قضایی آن اقامتگاه دارد». صلاحیت محاکم ایرانی در مورد اشخاصی که در ایران اقامتگاه دارند، صلاحیتی انحصاری است. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که در صورتی که خواننده‌ی دعوا، خارجی باشد، اقامتگاه وی باید به موجب چه قانونی معین شود؟ اصل بر این است که توصیف باید به موجب قانون مقر دادگاه انجام شود. (نصیری، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

بنابراین، برای تعیین اقامتگاه خواننده، که نوعی توصیف است، باید طبق قانون مقر دادگاه (قانون ایران، اقامتگاه را تعریف کرد. در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، اقامتگاه چنین تعریف شده است: «اقامتگاه هر شخصی، عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او، اقامتگاه محسوب می‌شود. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود».

۵-۲ صلاحیت دادگاه محل سکونت خواننده

ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در ادامه مقرر می‌دارد: «... و اگر خواننده در ایران، اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد». با تأکیدی که قانونگذار، در به کار بردن کلمه «ایران» داشته، مشخص می‌شود که علاوه بر صلاحیت داخلی، نظر به صلاحیت بین‌المللی نیز داشته است. منظور قانونگذار ایرانی، این بوده است که مدعی ایرانی در مواردی که مدعی علیه در ایران، اقامتگاهی ندارد، مجبور نباشد جهت طرح دعوای خود، به کشوری خارجی مراجعه نماید و از این طریق از یک جهت رعایت منافع مدعی ایرانی را نموده و از طرف دیگر، دامنه‌ی صلاحیت محاکم ایران را وسعت بخشیده است. (ارفع نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۱)



5-3 صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد یا اجرای تعهد

در برخی مواقع دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از عقد، طبق مقررات محل وقوع عقد یا محل اجرای عقد تعیین خواهد شد. این ملاک در قانون ایران بسیار برجسته است. به عنوان مثال، طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، اصل بر این است که دعوی باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود. اما طبق ماده ۲۲ آیین دادرسی مدنی «در دعاوی بازرگانی و همچنین در هر دعوای راجع به اموال غیر منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد مدعی می‌تواند به دادگاه محلی رجوع کند که عقد یا قرارداد در آنجا واقع شده باشد مدعی می‌تواند به دادگاه محلی رجوع کند که عقد یا قرارداد در آنجا واقع شده و یا تعهد در آنجا باید انجام شود».

بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری

در عصری که فضای سایبر به بستری برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی و اعمال قدرت نرم بدل شده است، صلاحیت قضایی از یک مقوله صرفاً فنی حقوق بین‌الملل خصوصی، به ابزاری کلیدی در سیاست خارجی و تنظیم‌گری دیجیتال دولت‌ها ارتقاء یافته است. رویه قضایی موجود در ایران، که عمدتاً بر اصول سنتی اقامتگاه و محل وقوع تعهد تأکید دارد بازتابی از تلاش ایران برای حفظ حاکمیت ملی و کنترل جریان‌های اقتصادی برون‌مرزی در محیط دیجیتال است. در مقابل، ایالات متحده، با ترویج اصول صلاحیتی گسترده‌تر که مبتنی بر «حداقل ارتباط»^{۳۰} و «منافع مشروع»^{۳۱} است، عملاً به دنبال ایجاد یک نظم حقوقی بین‌المللی مطلوب خویش در فضای سایبر است. این رویکرد، که در پرونده‌های مطرح شده در نظام حقوقی آمریکا که در فرایند بحث به آن پرداخته شده است، دیده می‌شود، منافع شرکت‌های فناوری بزرگ آمریکایی را تأمین کرده و نفوذ قضایی این کشور را در سطح جهانی تعمیق می‌بخشد. بنابراین، تعارض میان این دو رویکرد، صرفاً اختلافی در جزئیات حقوقی نیست، بلکه نمایانگر تلاش دولت‌ها برای تعریف مرزهای حاکمیت خود در پهنه نامحدود فضای مجازی و رقابت بر سر اعمال نظم مطلوب در تجارت الکترونیکی جهانی است. این فصل، با کنار گذاشتن تحلیل صرفاً حقوقی، به ریشه‌های سیاسی این تعارض پرداخته و آن را در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد بحث قرار می‌دهد. براین اساس پژوهش حاضر نشان داد که تقابل نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده در تعیین صلاحیت دادگاه‌های قراردادهای الکترونیکی، فراتر از یک تفاوت فنی در آیین دادرسی، بازتابی از رویکردهای متفاوت حاکمیتی در فضای مجازی است. واکاوی رویه‌های قضایی ایالات متحده و چالش‌های حقوقی ایران، گویای این واقعیت است که قواعد صلاحیت، به مثابه «مرزهای نوین دیجیتال» عمل می‌کنند که دولت‌ها برای اعمال قدرت و حفاظت از منافع

³⁰ Minimum Contacts

³¹ Legitimate Interests



استراتژیک خود در عصر جهانی شدن سایبری به کار می‌گیرند. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که عدم همگرایی در قواعد تعیین صلاحیت، تنها یک مسئله حقوقی نیست، بلکه ریشه در اولویت‌بندی‌های سیاسی دولت‌ها برای اعمال حاکمیت ملی و مقاومت در برابر هژمونی حقوقی قدرت‌های بزرگ دارد. در حالی که مدل‌های پیشرو مانند "حداقل ارتباط" در آمریکا، بستری برای تثبیت نفوذ و استانداردسازی هنجارها در تجارت بین‌الملل فراهم کرده‌اند، سایر کنشگران دولتی همچون ایران در تلاش‌اند تا با اتکا به معیارهای سنتی صلاحیتی، اقتدار قضایی خود را در محیطی بدون مرز بازسازی کنند. در نهایت، تداوم این شکاف حقوقی-سیاسی می‌تواند به بی‌ثباتی در روابط تجاری بین‌الملل و تضعیف همکاری‌های دیپلماتیک در حکمرانی سایبر منجر شود. از این رو، گذار از نگاه‌های ملی‌گرایانه در تعیین صلاحیت به سمت یک "نظم مشارکتی بین‌المللی" که در عین حفظ حاکمیت کشورها، شفافیت و امنیت حقوقی را برای کنشگران دیجیتال تضمین کند، یک ضرورت راهبردی است. این هماهنگی نه تنها یک الزام فنی برای تجارت الکترونیک، بلکه گامی ضروری برای کاهش اصطکاک‌های دیپلماتیک و ایجاد ثبات در نظم نوظهور فضای سایبر در روابط بین‌الملل خواهد بود. پیشنهاد و نتیجه راهبردی مقاله بر این گزاره تأکید دارد که صلاحیت قضایی صرفاً یک مسئله حقوقی نیست و ابعاد بین‌المللی و حاکمیتی و حکمرانی بین‌المللی پیدا می‌کند. به دیگر بیان بخشی از نظم سازی بین‌المللی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در بررسی‌های تطبیقی می‌بایست به نقش نهادهایی مانند UNCITRAL؛ و کنوانسیون‌های مرتبطی مانند کنوانسیون‌ها و الگوهای بین‌المللی تجارت الکترونیک توجه داشت همچنین برای کاهش اصطکاک بین دولت‌ها هماهنگی‌های حقوقی ضروری است زیرا عدم هماهنگی به تنش تجاری و اصطکاک سیاسی منجر می‌شود



منابع و مأخذ

منابع فارسی:

- ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۹)، حقوق بین الملل خصوصی: تعارض قوانین، جلد دوم، انتشارات بهتاب، چاپ اول.
- سلجوقی، محمود (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل خصوصی تعارض قوانین و تعارض صلاحیتها، جلد دوم، نشر میزان، تهران، چاپ سوم.
- نصیری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل خصوصی، بازنگری توسط: مرتضی کاخی و مرتضی نصیری، نشر آگاه، تهران، چاپ یازدهم.

منابع انگلیسی:

1. Scoles, E. F., Hay, P., Borchers, P. J. & Symeonides, S.C. (2000) Conflict of Laws (ST. PAUL. MINN: West Group, 3rd Ed. 2000).
2. Deveci, H. A. (2006) Personal Jurisdiction: Where cyberspace meets the real world – Part II, Computer Law & Security Report 22 (2006) 39 – 45.



3. Fangfei Wang, Faye(2008), Obstacles and Solutions to Internet Jurisdiction A Comparative Analysis of the EU and US laws, Journal of International Commercial Law and Technology Vol. 3, Issue 4.
4. Balaban, Tatiana(2018), Choice of Law and Jurisdiction in E-commerce Contracts with Focus on B2C Agreements. A Comparative Analyses of EU, US and China Legal Frameworks, L.M. SHORT THESIS COURSE: Legal Aspects of Internet and Electronic Commerce, Central European University.
5. Basedow, Jürgen(2017), Encyclopedia of Private International Law ,Second edition, EE .
6. Martin Fries, “International Jurisdiction over Consumer Contracts” [2018] <<https://goo.gl/g7wHCB>>accessed 12 March 2018a.
7. Council Regulation (EC) 1215/2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters [2012] OJ L 351.
8. Cunard, J. P. & Coplan, J. B. (۲۰۰۱) Developments in Internet and E-Commerce Law: ۲۰۰۱, ۶۷۸ PLI/P at ۹۳۵, ۱۰۴۶, ۱۰۹۰.
9. Gladstone. Julia Alpert, Determining Jurisdiction in Cyberspace: The Zippo Test or the Effects Test? Informing Science, InSITE-"Where Parallels Intersect", June 2003, p. 145, Available at: www.informingscience.org/proceedings/IS2003Proceedings/.../029Glads.pdf
10. Rice, D. T. & Gladstone, J. (2003) An Assessment of the Effects Test in Determining Personal Jurisdiction in Cyberspace, (2003) 58 Bus. Law. 601.
11. Zheng Sophia Tang, Electronic consumer Contracts in the conflict of law (Second Edition, Hart Publishing 2015.
12. Edward Elgar (2014), Research Handbook on EU Internet Law (Edward Elgar Publishing Limited .
13. James Fawcett,(2009), Private International Law (14th Edition, Oxford University Press.
14. Council Directive (EC)2000/31 on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce) [2000] OJ L .
15. Maryke Silalahi Nuth, Electronic contracting in Europe (Senter for rettsinformatikk Postboks 6706 St. Olavs plass 0130 Oslo, Complex nr. 2/2008) 33.
16. Council Regulation (EC) 261/2004 establishing common rules on compensation and assistance to passengers in the event of denied boarding and of cancellation or long delay of flights [2004] OJ L46
17. KCATL Journal (2015), A consumer-neutral look at jurisdiction in e-commerce. <https://goo.gl/TQ9m5H>.



18. Allan R. Stein(2018), Personal Jurisdiction and the Internet: Seeing Due Process Through the Lens of Regulatory Precision, 98 NW. U. L. REV. 411, 432 [2004] <<https://goo.gl/p8eH2u>> .
19. Riordan, S. (2019) Cyberdiplomacy: Managing Security and Governance Online. Cambridge: Polity Press